

## دو کتاب ارزنده در

# اخلاق حوزویان

○ سید عباس میری



○ مرآة الرشاد

○ نوشته: شیخ عبدالله مامقانی

○ تحقیق و تعلیق: شیخ محی‌الدین مامقانی، چاپخانه خیام، ایران، قم، ۲۳۱ صفحه.

مرحوم مامقانی، در نجف اشرف به سال ۱۲۹۰ هـ. ق دیده به جهان گشوده است و در همانجا به کسب مقدمات علوم از محضر پرفیض پدر ارجمندش و شیخ هاشم تبریزی پرداخت و در سطوح بالاتر علمی درسهای اصلی خود «فقه و اصول» را از اساتید بزرگواری چون غلامحسین دربندی، شیخ حسن میرزا، و پدر خود بهره جسته و به درجه اجتهاد نائل آمد. نامبرده در سال ۱۳۵۱ هـ. وفات کرد. از وی تألیفات ارزشمندی به جا مانده که از آن جمله است کتاب نفیس «مرآة الرشاد». این کتاب که به صورت وصیت‌نامه عرضه شده در دستورالعمل بسیار مفید و آموزنده است که مامقانی «ره» به فرزند بزرگتر خویش و همه بستگان و مسلمانان فرموده است.

### انگیزه تألیف

مؤلف درباره انگیزه نگارش اثر خویش می‌نویسد: چون عمر کوتاه و بی‌اعتبار است و مشخص نیست اجل چه زمانی به سراغ انسان می‌آید، وقتی هم آمد، هیچ جای درنگ نیست. بر خود ترسیدم که مرگ فرا رسد و ثمره عمرم محمدحسین را تربیت نکرده باشم. از این‌روی بر آن شدم این اثر را به عنوان وصیت‌نامه اخلاقی، تربیتی، آموزشی، برای فرزند خود و مؤمنان بنگارم تا مایه کمال و صلاح دنیا و آخرت آنان باشد.

سپس از فرزندان خود خواسته است در هر هفته یا ماه به این نوشته مراجعه کرده آن را مطالعه نمایند تا در ذهن جای گیرد و راهنمای عمل و رفتار آنان باشد. هرکس از این روش سرباز زند از سوی پدر عاق خواهد بود و از زندگی خویش بهره و خیری نخواهد برد. و برای هرکس بدان جامه عمل بیبوشد از خانوند متعال اصلاح دنیا و آخرت مستلک نموده است. این اثر ارزشمند و پرمغز خلاصه‌ای برگرفته از آیات قرآن، روایات پیشوایان دین و تعالیم الهی است که با اسلوب ویژه‌ای با زبان توصیه و سفارش با نثر روان و استوار به زبان شیرین عربی در پنج فصل تنظیم شده و شامل مجموعه‌ای از آداب، سنن، مکارم اخلاق و رفتارهای نیکو است که برای دانش‌پژوهان و طالبان کمال و انسانیت و فضیلت نسخه مفید و شفابخش است. از این روی هرچند کتاب عنوان وصیت‌نامه و دستورالعمل دارد، ولی به لحاظ این که مخاطب آن فردی که طالب علم

و... بوده است اثر جزء آثار اخلاق اهل علم به حساب می‌آید. مطالب عمده کتاب به شرح زیر است:

**فصل اول:** در این فصل به فرزندش توصیه می‌کند: ابتدا به مسائل اعتقادی و آنچه بر مکلف واجب و لازم است از روی دلیل و برهان فراگیر و معتقدات خویش را درباره خدا، انبیاء، اولیاء بر یقین استوار نما. سپس در باب عقاید راهنمایی می‌کند که از چه کتابی برای استحکام اعتقادات خود استفاده کن و از چه نوشته‌هایی دوری گزین. و در آخر تذکراتی درباره معارف دینی ارائه می‌دهد.

**فصل دوم:** در این فصل، فرزندش و همه مؤمنان را به اطاعت خداوند و گریز از معصیت ترغیب می‌کند. و او را از کسالت بر حذر می‌دارد و از وی می‌خواهد از عمر خویش در جهت آنچه شایسته است سود جوید و از خدا می‌خواهد که او را در هر امر خیر موفق بنارد. و با تزیین به مکارم اخلاق و اوصاف پسندیده از هر شری دور گرداند. سپس اوصاف و مکارم اخلاق را به شرح زیر برمی‌شمارد: حفظ اللسان، محاسبه‌النفس، مراقبه النفس، التفکر، الصبر، مراتب الصبر و انواعه، التوکل، القناعة، الحیاء، حسن التخلق، الحلم و العفو، الاتصاف و المروءة، الوفاء بالمعهد، السخاء و...

**فصل سوم:** در این فصل به موضوعات گوناگونی از جمله: ضرر و زیان حب دنیا و مذمت آن از دیدگاه آیات قرآن و روایات اشاره کرده و حب دنیا را به منزله شرک دانسته است. با تمسک به متون و روایات به زهد



- ایقاظ العلماء و تنبیه الامراء
- نوشته: شیخ احمد بن عبدالله الکوزه کنانی
- تحقیق و نشر: مرکز انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی، قم،
- چاپ دوم، به سال ۱۴۰۶، در ۲۳۰ صفحه.

ملاحظه در روستایی به نام کوزه کنان در حومه تبریز چشم به جهان گشود و برای کسب دانش به نجف اشرف هجرت نمود، و در آنجا از محضر اساتید بزرگ چون: علامه شیخ حسن مامقانی استفاده کرد و از ملازمین وی قرار گرفت. از دیدگاه بزرگان کوزه کنانی از علماء و متفکران اوائل قرن چهاردهم هجری است که در امور سیاسی از جمله مشروطه دستی داشته است.

شیخ آقابزرگ درباره وی می نویسد:

«... الشیخ المولی احمد بن عبدالله الکوزه کنانی النجفی، عالم ورع و فاضل تقی، کان فی النجف الاشرف مشتغلاً علی علمائها الاعلام یوم ذاک و له تصانیف کثیرة.»

شیخ مولی احمد، فرزند عبدالله، کوزه کنانی نجفی، دانشمند، فاضل و پرهیزگار بود، [در عصر مؤلف] به بهره برداری علمی از حوزه درس علماء، به نام نجف اشرف اشتغال داشت، وی دارای تألیفات بسیاری است.

#### انگیزه تألیف

مؤلف در مقدمه کتاب به سبب تألیف آن اشاره کرده می فرماید: چون در این عصر و زمان رخنه در بنیان دین و ملت افتاده و چراغ پرفروغ شریعت دانش و ایمان به خاموشی گراییده نادانان و افرادی که پیش آنان علم متاع بی ارزش، تعلیم و تعلم آن کار عاقل و باطل و طرفدارانش پست و ذلیل می باشند سربر آورده اند و به گونه ای بازار جهل را رونق داده اند که اهل دانش و دانش پژوهان مورد تمسخر واقع می شوند، و از طرفی شرایط زمان هم بر تربیت بدکاران و حرمت گمراهان و نادانان و دشمنی با اهل علم و معرفت همراهی می کند. با دیدن این انحراف در شگفتی و اندیشه ژرفی فرو رفتم. پس از اندیشه بسیار منشاء این کاستی بزرگ را به مصداق حدیث نبوی:

صنفان من امتی اذا صلحا صلحت امتی و اذا فسنا فسدت امتی قیل یا رسول الله و من هم؟ قال: الفقهاء و الامراء

دو گروه از امت من هرگاه اصلاح پذیرند. امت من نیز صالح گردند. و هرگاه فساد پیشه سازند امت من نیز به فساد گرایند. گفته شد ای رسول خدا، اینان چه کسانی هستند؟ فرمودند: فقیهان و امیران .

در دو طایفه دانشمندان و فرمانروایان یافتیم.

سپس به قلمم اقتاد برای هشدار اهل زمان، دامن به کمر زده و با

در دنیا ترغیب نموده و تفسیر درستی از زهد را ارائه داده است. سپس توسل به پیامبر (ص) و اهل بیت را سفارش کرده و با استناد به توصیه های پیشوایان دین عزاداری سیدالشهداء و گرامی داشتن سالخوردگان عجایز و اکرام والدین و نیکی به آنان را توصیه می نماید.

#### اکرام فقهاء عامل

از آنجا که فقهاء، مشعلداران دیانت و امانه شریعت و نواب امام زمان (عج) و هدایتگران مردم هستند، قدرشناسی و پاس احترام آنان لازم هست و به اکرام آنان و دوری از عالمان بی عمل سفارش شده است.

#### اکرام ذریه رسول (ص)

در قرآن کریم و روایات اکرام و احترام ذریه علی (ع)، فاطمه (ع) و دوستی آنان امری واجب و لازم و پاداش رسالت پیامبر (ص) شمرده شده است. سپس نگارش وصیت نامه و کیفیت آن را به فرزندش یادآور شده و از او می خواهد یاد خدا را هیچ گاه فراموش نکند و به استغفار، قرائت قرآن، مداومت بر طهارت، دوری از وسوسه، نماز اول وقت، التزام به نوافل، نماز جماعت، روزه و توبه در برابر معاصی و مطالب مفید دیگر که در سازندگی و تعالی روح انسان نقش مؤثر دارد توصیه می نماید.

#### فصل چهارم

در این فصلی که گشوده، با استناد به دلائل عقلی و نقلی، به کسب دانش، ارزش و اهمیت و فضیلت آن اشاره می کند، و انجام واجبات و ترک محرمات را وابسته به آن می داند و ضرورت عقل و شرع را بر نیکو، شرفه علو درجه بلندی مرتبه مکانت دانش گواه می گیرد. و به آیات و روایات زیاد در مورد اثبات این ضرورت استشهد می کند.

در راه کسب دانش قصد قربت را شرط می داند. و پرهیز از اعراض مادی را لازمه کسب دانش می شمرد. عالم بی عمل را مستوجب مذمت و ملامت می شمرد و به دوستی و ملازمت با اهل علم عامل و بذل علم به اهلش و صرف بیشتر عمر در طریق دانش فقه توصیه می نماید.

سپس فرزندش را در راه فراگیری دانش از چند چیز از جمله: قضاوت، خیانت در حقوق فقراء، و مساکین و ذریه پیامبر (ص)، سرعت در فتوا، حسب جاه و ریاست و تزویر بر حذر می دارد.

#### فصل پنجم

در این فصل، به مسائلی مربوط به امر معاش، مسکن، لباس، زن و بچه و تربیت اولاد اهتمام می ورزد و فرزندش و همه مسلمانان را در این طریق هدایت می کند، و کتاب را به پایان می برد.

این کتاب در سال های پیشین به چاپ های متعددی در نجف بیروت و قم آراسته گردیده است.

در مقدمه چاپ دوم، محقق محترم کتاب برای استفاده بیشتر از مطالب و مستندات آن احادیث را از مصادر اولیه به دست آورده و به طور کامل نقل کرده است. و از آنجا که این اثر را مورد توجه دانشمندان و اهل علم و فضل دیده، برخی فروع فقهی یا ذکر دیدگاه های مختلف و دلائل و نظر خود بر اصل کتاب در پانویست افزوده است.

توصیه‌هایی که هشدار و بیدارباش به طیفه فرمانروایان است آغاز می‌کند، و آنچه بر آنان رعایتش لازم و واجب است به شرح زیر برمی‌شمارد.

۱. سلطان باید شیوه اخلاق و برخورد خود را با مردم از دیانت و شریعت پیامبر (ص) و دانشمندان دین‌پالور و پارسای عصر خویش دریافت نموده و از آنان پیروی نماید و هم صحبت و همراه آنان باشد و حوادث واقعه عصر خویش را از آنان را دستورش را بخواهد، زیرا سلطان مسئولیت الهی در برابر مسائل و جریانات دارد و در روز قیامت باید پاسخگو باشد.
۲. نسبت به گزینش وزیر یا وزراء دارای شرایط لازم مسئولیت دارد.
۳. رسیدگی به امور مردم را مهمترین مسئولیت خدا بداند. امنیت مالی و جانی آنان را برقرار ساخته و با آنان رفتار نیکو داشته باشد.
۴. بیشترین وقتش را در راه استفاده از تدبیر عقلا، علماء، مطالعه سیره شاهان گذشته و فراگرفتن شیوه صحیح اداره جامعه صرف نماید و تمام استعداد و توانش را در راه عمران و آبادانی شهر و دیار و بلاد خویش بکار گیرد و از رفتاری که با این روش هماهنگی ندارد پرهیز نماید. سپس در بیدار باش دیگر، منظور از «الملک» را از دیدگاه مفسران معنا می‌کند و نبوت را اعظم مراتب «ملک» می‌شمارد و مقایسه‌ای بین دائره نفوذ حکومت حکام و علماء می‌نماید و برای ارشاد فرمانروایان در سیاستگذاری‌های داخلی و خارجی، اقتصادی، فرهنگی و... برخورد با نظام اداری و امور لشکری و کشوری استانداران و سایر طبقات مردم، به عهدنامه علی(ع) به مالک اشتر بسنده می‌کند و آن را پایان بخش هشدار به پادشاهان و فرمانروایان قرار داده است.

سپس در مورد علماء که انتساب به دین دارند می‌فرماید: اینان لغزششان هلاکت بارتز از پادشاهان و فسادشان فسادانگیزتر در رعیت است. پس این سخن به روایات پیشوایان دین و دیدگاه بزرگان مستند می‌نماید در بیدارباش دیگر مطالبی که از اهمیت بالایی برای دین دارد اشاره می‌کند، و با تمسک به دلائل عقلی و نقلی شرافت و برتری انسان بر موجودات را ثابت می‌نماید، و فوائد علم، مذمت جهل و آثار شوم آن را که منشا تمامی فسادهای عالم است را گوشزد می‌کند و با استمداد از روایات معصومین(ع) دانش نجابت‌بخش، آثار و فضیلت، چگونگی رشد و استفاده از آن را از زبان محققان و متالهان با ذکر تمثیل‌های آموزنده و گویا بیان می‌کند. و خسارت علم بدون عمل و عمل بدون علم را برمی‌شمارد. در پایان می‌فرماید: علم حقیقی علمی است که در قرآن کریم از آن به حکمت هدایت، فضل، نور و... یاد شده. جمع اقوال، حفظ احادیث و روایات، قدرت بر جدال و دفع خصم با مبادی جدلی و ابجاث کلامی و... علم حقیقی نیست. در بیدارباش دیگر: با استناد به روایات، به علائم و نشانه‌های عالم نمایان و مهمترین خصیصه آنان که دنیاطلبی است اشاره می‌کند، و می‌فرماید: علماء ربانی و واقعی در میان سایر اهل علم به مثابه عقلا، در میان سایر پرندگان است. سپس به مسائلی که عالمان دین باید رعایت کنند از جمله: عدم سرعت در فتوا، گفتن «لا ادری» در مورد شک و مظنه، پاسخ به احتیاط و تخمین در مورد ندانستن یقین، و... در ادامه با استفاده از روایات فتوای بدون تحقیق و بررسی را جهل و مخاطره آن را نزد پروردگار یادآور می‌شود و ویژگی‌های مفتی که

تلاش و کوشش اثر مختصری به نام «ایقاظ العلماء و تنبیه الامراء» بنگارم و گامی هرچند کوچک در راه زدودن این انحراف برداشته باشم شاید مفید افتد.

کتاب در یک مقدمه و بیدارباشهایی چند تدوین و تنظیم شده است. این اثر ارزشمند، با اسلوب بسیار دل‌انگیز و سهل‌التناول و نثر زیبا براساس آیات قرآن، احادیث، روایات پیشوایان دین، شواهد عینی و قضایای عبرت‌آموز تدوین یافته است. مؤلف به خوبی از عهده بیان دستورات، باید و نبایدهای لازم و ضروری اخلاقی، اجتماعی تربیتی برای حکام، علماء و اهل علم برآمده است.

کتاب از چنان اتقان و استواری در ابعاد گوناگون برخوردار است که شایسته است در حوزه‌های علمیه همگام با سایر دروس تدریس و مورد تدقیق و ژرف‌نگری قرار گیرد.

مؤلف پس از حمد و سپاس الهی و برشمردن اوصاف جلال و جمال و درود بر پیامبر (ص) رحمت و تجلیل از مقام والای علماء و امراء و بیان انگیزه تألیف مقدمه کتاب را آغاز می‌کند.

در مقدمه به حسن معاشرت با مردم در سطوح مختلفه دوست، دشمن و هرکس یا او برخورد دارد می‌پردازد می‌فرماید: باید رفتار با دیگران به گونه‌ای باشد که نه تنها موجب دشمنی و تنفر نگردد بلکه اسباب الفت را فراهم آید. در مورد حسن معاشرت با کافران از جمله «مؤلفه قلوبهم» که در قرآن آمده وام می‌گیرد. که پیامبر اکرم (ص) نیز بدان عمل نموده است، و توصیه‌های خود را نسبت به علماء و امراء در اموری به شرح زیر خلاصه می‌کند. ابتداء می‌فرماید: ریاست اولش ملامت است پس از آن ندامت و در آخر عذاب روز قیامت است مگر این که لطف و رحمت الهی شامل حال انسان گردد، عدالت پیشه سازد دربارہ ریاست دینی و دنیوی توصیه‌هایی بسیار ارزشمند ارائه می‌دهد که به کارگیری آن سعادت و موفقیت را در پی می‌آورد. از جمله می‌فرماید: باید مردم‌شناس باشد و از حوادث و مسائلی که پیش آید درس بیاموزد و سعی و تلاش‌های زیادی در خودسازی باطن نماید. و از بسیاری لذائذ و شهوات پرهیز نموده و از ابراز دشمنی و کینه با مردم حذر کند و...

سپس دستورات و توصیه‌هایی که عمل بدان انسان دارای ریاست را موفق می‌سازد برمی‌شمارد. از جمله: رعایت ادب و شیوه برخورد با دوستان، دشمنان نصح، صلحاء، سفهاء، متکبران و... کُند ذهنان، تیزهوشان را برای کسانی که در رأس امورند مانند: علماء و فقهاء بسیار سودمند می‌شناسد. آنگاه به مسئولیت خطیر دو قشر حکام و علماء، اشاره کرده و آگاهی و بیداری آنان از شیوه سلطه کفار بر بلاد اسلامی و فرجام شوم آن برای آنان را لازم و ضروری می‌داند، قطع ریشه کفر و ستم و استیلاء کفار را وظیفه آنان می‌شمارد. زیرا سلطه آنان مردم را از جهات گوناگون از جمله: خوردن و آشامیدن، پوشش و... تحت تأثیر قرار می‌دهد. مؤثرترین شیوه برخورد با سلطه اجانب و مهاجمان به سنن و فرهنگ اسلامی را برخورد منطقی و فرهنگی از سوی دانشمندان می‌شناسد.

مؤلف پس از این مقدمه ارزشمند مطالب کتاب را با عنوان «ایقاظ»

تحقیق تفسیر می‌کند و از نشانه‌های علماء ربانی شناخت موجبات تباهی و فساد اعمال و دین مانند: تشویش قلبه و سواس، خصوصت در امر دین را برمی‌شمارد.

در بیداریاش دیگر: به درجات فضائل، مقام والای عالمان دین می‌پردازد و اسباب سقوط آنان از این مرتبه و موقعیت را به وسیله حسد، مخاصمه و... می‌داند.

توصیه می‌فرماید: عالم حقیقی بیشترین همش را در پژوهش علوم نظری قرار داده و مسائل اهم را بپردازد زیرا برخی علوم بر برخی دیگر در موضوع، غایت و... شرافت دارند. از این روی علم کلام و عقاید بر علم فقه شرافت دارد و علم فقه بر سایر علوم شرافت دارد. سپس بین علم فقه و علم طب مقایسه می‌کند و ویژگی‌ها و برتری علم فقه را بر طب روشن و مبرهن می‌سازد.

و باتوجه به جایگاه والای علم به معارف الهی و فقه، علم باطن را باعث نورانیت قلب می‌شمارد که با تزکیه و تهذیب درون از صفات ناپسند حاصل می‌شود و به وسیله آن اموری بر انسان هویدا می‌گردد. این علم را که علم به احوال قلب و صفات پسندیده مانند: صبر، شکر، خوف، رجاء و... و یارکاتل اخلاقی مانند: حسد، کبر و ریا و... می‌شناسند که دانای عامل را نجات می‌بخشد و معرض از آن بر لب پرتگاه هلاکت است.

آنگاه مؤلف: از محصلین عصر خویش شکوه می‌کند که اگر از علوم رائج حوزه‌ها مانند: فقه، اصول و امثال آن از آنان پرسش شود به خوبی پاسخ می‌گویند، ولی از علم باطن و تصفیه درون بی‌خبرند، با این که بدون تردید تزکیه و تهذیب و تطهیر باطن برای دانشجوی علم دین مقدم بر هر آموخته دیگر است. زیرا با اخلاص درراه کسب دانش انسان به هدف اصلی که قرب الهی است نائل می‌آید.

در ادامه با استناد به آیات قرآن و احادیث و سخنان متالهان بزرگ مطالب بسیار ارزنده‌ای برای خودسازی بیان می‌کند و مقایسه‌های عینی و شواهد روشنی در مورد وظایف و مسئولیت عالمان دین نسبت به هدایت جامعه می‌آورد که برای اهل دانش سطر سطر آن بسیار آموزنده است، در فصل دیگر با استناد به آیات قرآن و روایات و گفتار علماء، تربیت اخلاقی و آموزش ادب نیکو را برای دانش‌پژوهان پیش از تعلیم علم و دانش امر لازم و ضروری می‌داند. زیرا در آغاز تحصیل که فطرت انسان دست نخورده، هرچه به او تعلیم دهند می‌آموزد و به هر سو خیر یا شر کشیده شود به همان سو گرایش پیدا می‌کند و پیش می‌رود پس بهتر است در آغاز نیت خود را بازسازی کند زیرا منشاء خلود در بهشت یا جهنم نیت‌های ثابت و ملکات راسخ انسان است.

در بیداریاش دیگر: از خود بزرگ نمایی دانشمندان عصر خویش اظهار شگفتی می‌کند و آنان را از این خصلت ناپسند برحذر می‌دارد و بزرگترین آفت دانشمندان را فخر فروشی می‌شمارد. از این روی یادآور می‌شود که خطر علم بیش از ضرر جهل است و حجت بر اهل دانش مؤکد است زیرا خلوتند از جاهلان به اندازه‌ای تحمل می‌کند و گذشت دارد که یک دهم آن را از عالم نمی‌گذرد. و در آخر صفت پست تکبر را با استناد به آیات قرآن و شواهد روایی توضیح و تشریح کرده و به ریشه‌های

فتوای او حجت است برمی‌شمارد، آنگاه به احتیاط و پرهیز گذشتگان علماء از اظهار فضل و خودنمایی اشاره می‌کند. و اظهار تأسف می‌نماید از علماء، متاخرین و معاصرین خود، که اگر در جلسه‌ای از یکی از آنان پرسش شود برای خود نشان دادن واحاطه علمی و... از هر سو پاسخ سرآزیر می‌شود.

مؤلف درباره این‌گونه افراد می‌نویسد:

فيا حسرة على العباد بعد المفارقة عن الموات تبقى نفوسهم خالية من المعلومات مكدرة بكدورات التعلقات قداشئبه خطا، خواطر هم بصوابها و ذلك من احد اربعة امور: اما ضعف اليقين، او قلة العلم بصفات النفس و اخلاقها و متابعه الهدى بحزم قواعد التقوى او محبة الدنيا و جاهها و مالها فمن عصم من هذه الاربعة يفرق لمة الملك و لمة الشيطان و من ابتلى بها فلاخير فيه ابدا...»

حسرت و اندوه بر پندگان پس از مفارقت از دنیا است. زیرا پس از مرگ، انسان تهی از دانش‌هایی که اندوخته باقی می‌ماند، در حالی که درون او به کدورت‌ها و وابستگی‌هایی که بدان دل بسته‌اند مكدرد است. و بخاطر چهار امر در نظر آنان خطا به صواب در هم آمیخته و مشتبه شده است. و آن چهار امر عبارت است از: ضعف یقین، دانش اندک به ویژگی‌ها و خلق و خوی انسانی، پیروی هوای نفس در جهت نابودی تقوی، دوستی مقام‌ها و مال دنیا، هرکس از این چهار امر در امان باشد از لغزش مقامات دنیا و شیطان نجات خواهد یافت و هر کس به این چهار امر مبتلا شود هیچ خیری از او به کسی نخواهد رسید.

از دیگر ویژگی‌های دانشمندان حقیقی، اختیار ایام خلوت با خدا با حضور قلب و صفای اندیشه و باطن است که آن را مؤلف سبب گشایش باب الهام ربانی و کشف صمدانی می‌داند. توصیه می‌کند که علماء واقعی به خاطر دنیا نباید از سلاطین پیروی کنند. زیرا تردد در باب سلاطین به خاطر دنیا، مصداق حب مال و طلب دنیا و علو مقام ثروت شمرده می‌شود که علماء اکیدا از آن برحذر داشته شده‌اند و از آنجا که علماء امضاء رسولان الهی و شریعت محسوب می‌شوند باید افکار اندیشه و دیدگاه‌های شرع را در شیوه زندگی مراعات کنند. اینان هر گاه به دنیا گروند و پیروی اهل دنیا نمایند امانت‌دار نخواهند بود، و در این هنگام نه تنها برای مؤمنان و مسلمانان الگو و سرمشق نیستند که شرع مقدس مردم را از پیروی این‌گونه عالمان برحذر داشته است. سپس نتیجه‌گیری می‌کند:

دانشمند دوستدار دنیا در حقیقت عالم و متدین نیست. بلکه نادان گمراهی است، که دیگران را نیز گمراه می‌نماید. مکافات چنین افرادی در دنیا آن است که خوانوند تبارک و تعالی از قلب آنان شیرینی مناجات و لذت سخن گفتن عقلانی که عبارت از سروش‌های علمی است بیرون می‌سازد. و از الهام‌های علمی که در اوان سلامت فطرت قابلیت بهره‌مندی آن را داشته، محروم می‌نماید.

تحت عنوان «ایقاز» براساس گفتار و دیدگاه‌های بزرگان مانند: غزالی، فقه و فقیه واقعی را معرفی می‌کند و برخی مدعیان فقه و معرفت را می‌شناساند با استناد به آیات قرآن و روایات، عالمان واقعی از غیر آنان تمیز می‌دهد. سپس واژه (هدی) در کتاب و سنت را با یاری سخنان اهل

تکبر و درمان آن اشاره می‌نماید.

«در ایقاظ» دیگر، در پی مباحث گذشته علم را دو قسم می‌کند، علم حقیقی و علم غیرحقیقی و ویژگیهای هر کدام را برمی‌شمارد. خشیت الهی، حیا، خوف، رجا، قرب و شوق به خدا و ملکوت اعلی، دوری و زهد نسبت به دنیا، آرزوی موت به خاطر دیدار حق، صداقت در جمیع گفتار و کردار، قناعت به روزی اندک، خوف از عذاب معصیت و... را از ویژگی‌های علم حقیقی می‌داند.

در مقابل هدف عالم غیرحقیقی از خشیت و تقوی و ورع را ظاهرسازی می‌شمارد و بر آن است که گفتارش هیچ گاه با اعمالش موافق نیست و...

سپس می‌فرماید: آنچه در قرآن و روایات و احادیث درباره فضیلت عالم و درجات عالی آنان رسیده است منظور عالمان حقیقی است. پس از بیان مباحث مفید دیگر، با ذکر روایتی سخن از حسد را به میان می‌کشد و آن را رأس خوی پست می‌شمارد و با استناد به آیات و روایات حقیقت آن روشن ساخته و آثار شوم آن را بیان می‌نماید و پیروی عوام از علما را بزرگترین مصیبت آنان می‌شمارد زیرا عمل آنان سند و الگوی عوام است که می‌گویند: آنان با این که دانشمند هستند این گونه رفتار دارند ما که از آنان بالاتر نیستیم و این را مجوزی برای خود می‌انگارند.

از این رو در بیداریاش دیگر زهد در دنیا را برای علماء واجب می‌داند و معنای حقیقی آن را روشن ساخته و نشانه‌ها و نتایج آن در آخرت را با استناد به سخنان علی(ع) می‌پردازد.

سپس از اوصاف برخی علماء زمان خود سخن به میان می‌کشد و از جمله اخلاق زشت آنان این می‌داند که نسبت به کسانی که از آنان تقلید می‌کنند خوشرفتار و مودت و محبت ورزیده و تسلیم آنان هستند و رعایت آنان می‌نمایند، در مقابل با کسانی که پیرو آنان نیستند قطع رابطه می‌نمایند، برای اهل دنیا تواضع می‌کنند. فقرا و مساکین را حقیر می‌شمارند. و اوصاف پست دیگر... سپس در این رابطه به موعظه و پندی آموزنده از حضرت عیسی(ع) استناد می‌کند، بحث را با مواظب هشداردهنده‌ای درباره علماء با ذکر شواهد عینی که مو بر بدن راست می‌کند به پایان می‌برد.

در بیداریاش دیگر، با استناد به سخنان امام زین‌العابدین(ع) در رساله حقوق، آداب استاد شاگردی را به طور اختصار بیان می‌کند. سپس شیوه معاشرت علماء با دوستان و افراد سرشناس و اشخاصی که در جامعه شناخته شده نیستند و شرایط گزینش حقوق آنان و پرهیز از مجالست با جهال را تبیین می‌کند و درباره انتخاب همنشین و هم صحبت مفید برای دنیا و آخرت فصلی از «منیة‌المريد» نقل می‌کند.

در بیداریاش دیگر، فصلی درباره تادیب دانشجویان به آدابی که دانش برای دنیا و آخرتشان مفید باشد از کتاب شریف «منیة‌المريد» نقل می‌کند. سپس از عالم بدون عمل به یلعم باعو را مثال می‌آورد. و گرفتاری‌های او و امثالش در قیامت را یادآور می‌شود. سپس به مباحث علمی معمول در کتاب‌های اخلاقی می‌پردازد و آنگاه در ذیل آیه شریفه

«والذین جاهدوا فینا لنهدینهم سیلنا...»

جهاد را به دو قسم (جهاد اکبر و جهاد اصغر) تقسیم و هر کدام را تعریف می‌کند. در مورد جهاد اکبر می‌فرماید: این جهاد با دشمنی نفس است که برترین جهادها، با دشمن‌ترین دشمنان است. این جهاد بر تک‌تک افراد مسلمان واجب است که ترک آن عذاب الهی را در پی دارد. سپس شیوه مبارزه با نفس را بیان می‌کند. و از رساله موسوم به «تجرالنفس» فصولی را نقل می‌کند.

در پایان بیداریاش دیگر، بر علماء واجب می‌داند، پس از این که مواظب و پندها را شنیدند و پندآموز شدند و متخلق به اخلاق الهی گردیدند باید به وظیفه امر به معروف و نهی از منکر جامه عمل بیوشند و با استناد به آیات و روایات دلیل وجوب این دو را بیان می‌نماید. سپس به تعریف معروف و منکر می‌پردازد و کیفیت وجوب آن که عینی است یا کفایی و مراتب آن اشاره می‌کند.

سپس آیات و روایاتی که عاقبت سوء ترک امر به معروف و نهی از منکر را در دنیا و سرای آخرت بیان می‌کند آورده و به روایاتی که ترک‌کنندگان این دو واجب را مورد سرزنش قرار داده است اشاره می‌کند. در «ایقاظ» دیگر، وسواس و ریشه‌های آن و لزوم پرهیز از آن را بررسی می‌کند و طریقه نفوذ آن به جای الهام الهی در قلب انسان بیان می‌نماید، سپس وسواس را از دیدگاه اخبار به پیروی از شیطان و عدم تعقل تفسیر می‌کند و مسأله وسوسه در اعمال عبادی مانند: وضو، نماز، شک در رکعت‌های نماز، سهو در اقوال و افعال و... را بیان می‌کند و راه درمان آن را نشان می‌دهد.

در «ایقاظ» دیگر، صبر بر نامالیمات و رنج تحصیل و روی آوردن مردم به سوی آنان برای پرسش مسائل دینی و فتوا و رفع نیازمندی‌های خویش و... را از ویژگی‌های لازم و ضروری برای دانشمندان می‌داند. و با توضیحات ارزنده‌ای درباره انواع و اقسام صبر، معنی و فضیلت فواید آثار دنیوی و پاداش اخروی آن را با تکیه بر روایات به گونه بسیار مفیدی تشریح می‌کند. سپس از کتاب «ارشاد القلوب» جریانهایی که در شب معراج رخ داده و راهنمایی‌های الهی به پیامبر (ص) به روایت علی(ع) را در چندین صفحه نقل می‌کند.

و در بیداریاش پایان کتاب در مذمت غرور از کتاب «حقایق فیض کاشانی» مطالب بسیار ارزشمندی نقل کرده و کتاب را به پایان می‌برد. این اثر بسیار ارزنده بهترین متنی است که مطالعه آن برای تهذیب نفس ضروری و مفید است. به ویژه برای طلاب علوم دینی.

